

ژاگو، پل - کلمان، ۱۸۸۹-۱۹۶۲ م. Jagot, Paul - Clement

روش‌های عملی مانویسم، هیپنوتیسم و تلقین / پل - کلمان ژاگو. ترجمه بیبا
(زینب) شمسنی. - تهران: ققنوس، ۱۳۸۲.

ISBN 964-311-486-4

۲۰۷ ص. مصور.

فهرستتویس بر اساس اطلاعات فیبا.

Méthode pratique de

عنوان اصلی:

magnétisme hypnotisme suggestion, 1973.

رازنه‌نامه.

۱. تلقین روانی. ۲. خواب مصنوعی. ۳. مغناطیس درمانی. ۴. فرا روان‌شناسی.

الف. شمسنی، بیبا، ۱۳۵۲. - مترجم. ب. عنوان.

۲۳ ژ ۸ / BP ۱۱۵۶ / ۱۵۲/۷

۱۳۸۲

م ۲۸۹۲۱-۸۲

کتابخانه ملی ایران

روش‌های عملی مانیتیس، هیپنوتیس و تلقین

پل - کلمان ژاگو

ترجمه بیتا شمسینی



این کتاب ترجمه‌ای است از:

**Méthode pratique de
magnétisme hypnotisme suggestion**

Paul - Clément Jagot



انتشارات ققنوس

تهران، خیابان انقلاب، خیابان شهدای ژاندارمری

شماره ۲۱۵، تلفن ۴۰ ۸۶ ۴۰ ۶۶

* * *

پل - کلمان ژاگو

روش‌های عملی مانتیسم، هیپنوتیسم و تلقین

ترجمه بیتا شمسنی

چاپ دوم

۱۶۵۰ نسخه

زمستان ۱۳۸۵

چاپ شمشاد

حق چاپ محفوظ است

شابک: ۴ - ۴۸۶ - ۳۱۱ - ۹۶۴

ISBN: 964-311-486-4

info@qoqnoos.ir

www.qoqnoos.ir

Printed in Iran

فهرست

مقدمه	۱۷
کتاب اول: بررسی مختصر چهار عنصر تاثیرگذاری و نفوذ [شخصی]	
- عامل مانیتسمی - روش‌های حسی - تلقین - عمل ارتباط فراروانی از راه دور	
پیشگفتار	۳۱
۱. «مانیتسم» یا پرتوهای طبیعی	۳۵
۱. موج مانیتسمی	۳۵
۲. قطبی شدن	۳۶
۳. پرتوافکنی یا القای منظم مانیتسم	۳۷
۴. اعمال قطبی	۳۹
۵. شرایط تأثیرپذیری (حساسیت)	۴۰
۶. مانیتسم درمانی	۴۴
۷. مانیتسم تجربی	۴۵
۸. عمل مانیتسم بر روی ماده	۴۸
۹. قابلیت رؤیت تشعشعات بدن انسان‌ها	۴۹

۲. هیپنوتیسم حسی ۵۳
۱. تحریک حسی محیطی ۵۳
۲. دو دسته از روش‌های حسی ۵۴
۳. شرایط و درجات حساسیت در روش‌های حسی ۵۵
۴. حالت‌های رایج هیپنوز حسی ۵۶
۵. حالت جمود خلسه‌ای ۵۸
۶. حالت رخوت ۵۹
۷. حالت خوابگردی ۶۰
۳. تلقین یا هیپنوتیسم روانی ۶۳
۱. مفهوم تلقین ۶۳
۲. ضمیر خودآگاه و ضمیر ناخودآگاه ۶۴
۳. تأثیر تلقین بر ضمیر خودآگاه و ضمیر ناخودآگاه ۶۵
۴. هیپنوز نسبی به وسیله تلقین ۶۷
۵. هیپنوز کامل به وسیله تلقین ۶۸
۶. تلقین‌پذیری ۷۰
۷. تأثیرات عمده تلقین طی حالت هیپنوز ۷۱
۴. تله‌پاتی ۷۷
۱. جادو و جادوگری ۷۷
۲. افسونگری ۷۹
۳. واقعیت‌های مربوط به ارتباط افکار از راه دور ۸۲
۴. تلقین ذهنی ۸۵
۵. جمع‌بندی ۹۱

- کتاب دوم: دوره عملی دستیابی به پدیده‌های رایج مانیتیسیم و هیپنوتیسیم
۵. شخصیت آزمایشگر..... ۹۵
۱. نفوذ شخصی شما..... ۹۵
۲. اصول مقدماتی برای کسب توانایی..... ۹۷
۳. شرایط رشد نیروی فراروانی - مانیتیسیمی شما..... ۹۹
۴. دانستن و خواستن..... ۹۹
۶. آزمایش‌ها باید بر روی چه کسی صورت بگیرد؟..... ۱۰۳
۱. جایگاه آزمایشگر در مقابل گروه..... ۱۰۳
۲. حالت تأثیرپذیری..... ۱۰۴
۳. هنر تشخیص دادن کسانی که به آسانی هیپنوتیسیم می‌شوند..... ۱۰۶
۴. چگونه همشینان خود را برای انجام دادن آزمایش‌هایتان آماده کنید؟..... ۱۰۹
۵. چگونه جلسه‌ای کوچک را در جمعی پنج تا بیست نفره آغاز کنیم؟..... ۱۱۰
۶. چگونه حساسیت شخص تعیین شده را پیش از انجام عمل هیپنوتیسیم افزایش دهیم؟..... ۱۱۲
۷. چرا پس از آن که از عهده ایجاد چند پدیده برآمدید، در یافتن آزمودنی‌ها..... ۱۱۳
- موفق خواهید شد؟..... ۱۱۳
۷. هیپنوتیسیم جزئی..... ۱۱۵
۱. افتادن به عقب..... ۱۱۵
- الف) شرح..... ۱۱۵
- ب) مرحله اول..... ۱۱۶

- ج) مرحله دوم ۱۱۷
- د) مرحله سوم ۱۱۷
- ه) چهارمین و آخرین مرحله ۱۱۷
۲. تجزیه و تحلیل آزمایش ۱۲۰
۳. چند مانع و راه برطرف کردن آن‌ها ۱۲۴
۴. افتادن به جلو ۱۲۶
۵. چگونه خود را در عمل آماده کنیم؟ ۱۲۷

۸. انقباض عضلات، بازدارندگی و گرفتگی صدا در حالت بیداری به وسیله

- جذب و تلقین امرانه ۱۳۱
۱. انقباض بازوها و دست‌ها ۱۳۱
۲. ثابت نگه داشتن آزمودنی به وسیله منع القایی ۱۳۵
۳. ناتوانی آزمودنی در گشودن پلک‌هایش ۱۳۶
۴. گرفتگی جزئی صدا ۱۳۷
۹. اختلالات حرکتی: حرکات تحمیلی ۱۴۱
۱. حالت تأثیرپذیری ۱۴۱
۲. اصول کلی ۱۴۲
۳. اختلال در تعادل ۱۴۳
۴. عمل غیرارادی تحمیلی ۱۴۴
۵. آزمایشی دیگر در زمینه عمل غیرارادی ۱۴۴
۶. چگونه آزمودنی را رها کنیم؟ ۱۴۵
۱۰. اختلالات حرکتی: بازداشتن از حرکت ۱۴۷
۱. آزمایش معروف افزایش تدریجی سنگینی وزنه ۱۴۷

۲. فلج کردن عضوی از بدن..... ۱۴۹
۳. ناتوانی کامل در حرکت کردن..... ۱۵۰
۴. آزمایش‌های دیگری در زمینه اختلالات حرکتی..... ۱۵۱
۱۱. اختلالات حسی..... ۱۵۳
۱. مقدمه..... ۱۵۳
۲. تأثیر خفیف بر قوه بینایی..... ۱۵۵
۳. توهمات بینایی..... ۱۵۵
۴. توهمات شنوایی..... ۱۵۶
۵. توهمات بویایی و چشایی..... ۱۵۷
۶. احساس‌های ملموس تلقین شده..... ۱۵۷
۷. کاهش حساسیت پوستی..... ۱۵۸
۱۲. اختلالات مرکزی..... ۱۶۱
۱. مفاهیم کلی..... ۱۶۱
۲. فراموشی..... ۱۶۲
۳. اجرای اعمال تحمیلی..... ۱۶۳
۴. اهمیت رهاسازی آزمودنی..... ۱۶۵
۱۳. شیوه‌های غیر ارادی خفیف..... ۱۶۷
۱. حالت جذب..... ۱۶۷
۲. آینه‌های چرخان..... ۱۶۸
۳. گوی‌های هیپنوتیسمی، دیسک‌های هیپنوتیسمی و..... ۱۶۸
۴. تأثیر نیروی جاذبه..... ۱۷۰
۵. اشیای مغناطیس شده..... ۱۷۱

۱۲. حالات عمیق ۱۷۳
۱. هیپنوز کامل به دنبال هیپنوز جزئی متوسط ۱۷۳
۲. هیپنوز کامل به دنبال هیپنوز جزئی پیشرفته ۱۷۴
۳. هیپنوز کامل به دنبال خواب طبیعی ۱۷۴
۴. هیپنوز کامل به دنبال وضعیت عادی ۱۷۶
۵. چگونه می‌توان ثابت کرد که آزمودنی کاملاً در وضعیت هیپنوز کامل است؟ ۱۸۴
۶. تلقین در هیپنوز عمیق (مرحله اول) ۱۸۶
۷. تلقین در هیپنوز کامل و عمیق (مرحله دوم) ۱۹۱
۸. انقباض کلی ۱۹۳
۹. پس از تلقین ۱۹۵
۱۰. بیداری ۱۹۶
۱۱. شیوه‌هایی بی‌خطر برای استفادهٔ عموم ۱۹۷

کتاب سوم: پدیده‌های فراروانی استثنایی

دستورالعمل‌هایی برای مشاهدهٔ این پدیده‌ها

۱۵. حالات و پدیده‌های رایج هیپنوز ۲۰۱
۱. مفاهیم کلی ۲۰۱
۲. حالت رخوت در هیپنوتیسم حسی ۲۰۴
۳. حالت جمود خلسه‌ای در هیپنوتیسم حسی ۲۰۵
۴. حالت خوابگردی در هیپنوتیسم حسی و هیپنوتیسم روانی ۲۰۶
۵. تأثیر نیروی جاذبه و انتقال ۲۰۹
۶. هیپنوتیسم یک‌طرفه ۲۱۰
۷. انتقال احساسات از راه دور، از شخص هیپنوتیسم شده به شخصی دیگر ۲۱۱

۸. تأثیر مواد دارویی و سمی از فاصله..... ۲۱۵
۱۶. چهار وضعیت خواب مانیتیسمی..... ۲۱۷
۱. شرایط آزمایش..... ۲۱۷
۲. آزمایش‌های مقدماتی..... ۲۱۸
۳. حالت تلقینی..... ۲۲۰
۴. حالت جمود خلسه‌ای..... ۲۲۲
۵. حالت خوابگردی..... ۲۲۳
۶. حالت رخوت..... ۲۲۴
۷. بیداری..... ۲۲۵
۱۷. روشن‌بینی در خوابگردی..... ۲۲۷
۱. انتخاب آزمودنی..... ۲۲۷
۲. خوابگردی طبی..... ۲۲۸
۳. آزمایش‌های مقدماتی..... ۲۲۹
۴. رؤیت از فاصله..... ۲۲۹
۱۸. نهان‌بینی..... ۲۳۳
۱. روان‌شناختی شخص «نهان بین»..... ۲۳۳
۲. نهان‌بینی خودانگیخته..... ۲۳۵
۳. نهان‌بینی ارادی..... ۲۴۱
۴. مشاهده عوامل، اشکال و موجوداتی که معمولاً نمی‌توان آن‌ها را رؤیت کرد..... ۲۴۵
۵. جمع‌بندی..... ۲۴۷
۶. مفاهیم کاربردی..... ۲۴۹

۱۹. نمودهای عینی تأثیرپذیری و مضاعف شدن..... ۲۵۱
۱. نمودهای عینی تأثیرپذیری شامل چه مواردی می‌شود؟ ۲۵۱
۲. روش انجام دادن آزمایش..... ۲۶۰
۳. [پدیده] مضاعف شدن آزمودنی ۲۶۲
۴. پدیده مضاعف شدن خودبخود..... ۲۶۴
۵. پدیده مضاعف شدن ارادی ۲۶۹
۲۰. انتقال فکر و تلقین ذهنی از فاصله اندک..... ۲۷۵
۱. در حالت بیداری..... ۲۷۵
۲. در حالت هیپنوز عمیق..... ۲۷۸
۳. در حالت خوابگردی..... ۲۸۰
۴. خواب کردن آزمودنی‌ای که پیش‌تر هیپنوتسم و سپس بیدار شده
است از راه دستور ذهنی..... ۲۸۶
۵. فکرخوانی..... ۲۸۹

کتاب چهارم: واسطه‌گری

۲۱. مسئله واسطه‌گری و جلوه‌های توجه‌برانگیز آن..... ۲۹۵
۱. جلسات احضار ارواح..... ۲۹۶
۲. گزارش‌های تأییدآمیز معتقدان به عقاید روح‌باورانه ۳۰۱
۳. خواندن اثری که بیانگر تحقیقات تجربی مرجعی علمی است..... ۳۰۲
۴. نوشته‌های مروجان احضار ارواح..... ۳۰۳
۲۲. شیوه‌های آزمایش..... ۳۰۵
۱. نگارش خودکار..... ۳۰۵
۲. بلند شدن میز در عین تماس با زمین و تیپتولوژی..... ۳۰۶

۳. بلند شدن کامل میز از زمین، ضربات، جابجا کردن اشیا ۳۰۶
۴. ظهور ۳۰۷
۵. گذر از میان اشیا، نگارش بی‌واسطه ۳۰۷
۶. نامه‌نگاری‌های دوطرفه ۳۰۸
۷. چه کسی می‌تواند واسطه باشد؟ ۳۰۸
-
۲۳. بررسی منطقی واسطه‌گری ۳۱۱
۱. نظر دانشمندان ۳۱۱
۲. اعتقاد به احضار ارواح و اعتقاد به وجود ارواح ۳۱۳
۳. تکنیک عملی علمی ۳۱۹
۴. سنت و «اعتقاد به احضار ارواح» ۳۲۱
-
۲۴. زیان‌های اعتقاد به احضار ارواح و مضرات فقدان عینی‌نگری کافی
- در مطالعه واسطه‌گری ۳۲۵
۱. حالت روحی بیمارگونه «معتقدان» ۳۲۵
۲. ترندها ۳۲۸
۳. نتایج ۳۲۹
-
- کتاب پنجم: کاربرد مانیتیسیم، تلقین و تأثیر روانی در درمان بیماری‌ها
- مقدمه‌ای بر طب فراروانی - مانیتیسیمی ۳۳۳
۲۵. ناخوشی‌ها و بیماری‌های غیرمزمّن ۳۳۷
۱. غش ۳۳۷
۲. سردرد ۳۳۸
۳. درد اعصاب دندان و چهره ۳۴۰

- ۳۴۱ ۴. سوءهاضمه
- ۳۴۱ ۵. اضطراب
- ۳۴۳ ۶. بی‌خوابی
- ۳۴۷ ۷. خواب آشفته
- ۳۴۷ ۸. روان‌رنجوری
- ۳۴۸ ۹. کمروبی
۱۰. گرفتگی‌های عضلانی نویسندگان و نوازندگان پیانو و ویولن.
- ۳۵۰ لرزش‌های عصبی
- ۳۵۳ ۲۶. مهم‌ترین اختلالات در کارکرد بدن
- ۳۵۳ ۱. مفاهیم کلی
- ۳۵۴ ۲. درد معده
- ۳۵۵ ۳. سوءهاضمه
- ۳۵۶ ۴. التهاب روده‌ها
- ۳۵۷ ۵. یبوست
- ۳۵۸ ۶. آسم
- ۳۶۰ ۷. برونشیت (مزمن یا حاد)
- ۳۶۲ ۸. بیماری‌های قلبی
- ۳۶۴ ۹. اختلالات عروقی
- ۳۶۵ ۱۰. فلجی که ناشی از خونریزی مغزی نیست.
- ۳۶۹ ۲۷. ناتوانی حرکتی
- ۳۷۵ ۲۸. روان‌رنجوری‌ها
- ۳۸۱ ۲۹. ضعف‌های جسمانی

۳۰. اشتغالات فکری و وسواس‌ها ۳۸۷
۱. وسواس تک‌سویه عذاب ۳۸۹
۲. اشتغال فکری در باره خطری قریب‌الوقوع ۳۹۰
۳. وسواس فکری در مورد خواست‌هایی که خلاف اصول اخلاقی بیمار است ۳۹۰
۳۱. الکلیسم، معايب [شخصیتی]، اعتیاد به مواد زیان‌بخش ۳۹۳
۳۲. نفوذ اخلاقی ۳۹۹
۳۳. درمان از فاصله ۴۰۵

مقدمه

۱. پدیده‌های فرا روانی همواره وجود داشته‌اند؛ آشنایی با گونه‌های اصلی آن‌ها از روزگار قدیم تا امروز.

پدیده‌هایی که در این کتاب بررسی می‌کنیم از زمان‌های بسیار دور شناخته شده بوده‌اند. آنچه امروزه «مانیتیزم»، «هیپنوتیزم»، «تلقین»، «تله‌پاتی» و... می‌نامیم، در گذشته‌های بسیار دور، بخش تجربی علم اسرارآمیزی را در هند، کلد و مصر تشکیل می‌داد که به اعضای طبقه ممتاز - جامعه اختصاص داشت - کسانی که همزمان نقش کاهن، دولتمرد و طبیب را ایفا می‌کردند. پیشینیان ما، که در این زمینه کارآزموده بودند، راز تواناییشان را نسل به نسل منتقل کرده‌اند؛ حتی می‌توان گفت که آن‌ها به قدری پیشرفت کرده بودند که امروزی‌ها هنوز به گرد پایشان نرسیده‌اند. در واقع، چنین به نظر می‌رسد که این افراد تسلطی کمابیش مطلق بر جسم و روح هم‌نوعان خود داشتند و در این زمینه آن‌قدر ورزیده بودند که می‌توانستند با یک کلام بیماری را شفا دهند یا با یک نگاه روح اشخاصی را مطیع خود سازند. حتی بعضی نویسندگان تصور می‌کنند که آن‌ها برخی اشکال انرژی را که دانشمندان امروزی هنوز کشف نکرده‌اند، می‌شناختند و از آن‌ها استفاده می‌کردند.

بخش‌هایی از این علم را سرّی خوانده‌اند، زیرا با ظرافت خاصی از توده‌های مردم پنهان شده و در عین حال در [میراث] تمدن‌هایی که امروزه اثری از آن‌ها نیست باقی مانده است. در واقع، تاریخ گواه آن بوده است که این امور خارق‌العاده در قرون مختلف میان همه اقوام وجود داشته و به دست اشخاصی صورت می‌گرفته که به نظر میراث‌خوار قدرت کاهنان بزرگ بودند. بعد از آن که تئودوسیوس^۱ کتابخانه اسکندریه را به آتش کشید، علوم کهن فراروانی، در همان کانون‌های نخستین آن خشکانده شد و روند این علوم به دلیل پراکندگی پژوهندگان رو به نزول نهاد، به این ترتیب، لازم آمد که برای حفظ آثار باقی‌مانده احتیاط‌هایی صورت گیرد. این امر منشأ پیدایش محافل اسرارآمیز بود، محافلی که آن‌ها را در قرون وسطی نیز باز می‌یابیم و مالک بخشی از دانش سرّی بودند.

تا آغاز دوره رنسانس، پدیده‌های فراروانی را اموری خارق‌العاده در نظر می‌گرفتند، حتی کسانی که در این امور دست داشتند بر این عقیده بودند و آن‌ها را نوعی تخطی از نظام طبیعت می‌دانستند. پلین^۲، ابن‌سینا، باسیل^۳، والتین^۴، آگریپا^۵، پاراسلس^۶ و عده‌ای دیگر رسماً اعلام کردند که انسان می‌تواند بر چیزهای دیگر تأثیر بگذارد و به این طریق به خوبی توانستند پرده ابهام را از روی این مسئله بردارند، اما مسمر^۷ بود که توانست با تئوری مانیتسم حیوانی یا ارتباط آهنگ حرکت بدن جانداران، اولین قدم قطعی را به سوی تفسیر منطقی‌تر فراروان‌شناسی بردارد.

از پیروان برجسته مسمر، می‌توان پوئیسگور^۸، دلوز^۹، دوپوته^{۱۰} و لافوتن^{۱۱} را نام برد که مصمم شده بودند تا سروسامانی به تئوری پیشین بدهند، تا آن‌که در زمان لافوتن (۱۸۰۲-۱۸۹۲)، تکنیک مشخصی برای

1. Théodose

2. Pline

3. Basile

4. Valentin

5. Agrippa

6. Paracelse

7. Mesmer

8. Puysegur

9. Deleuze

10. du Potet

11. Lafontaine

«مانیتیسیم کردن» بنا نهاده شد، به این معنی که پرتوافکنی این رادیواکتیویته فیزیولوژیکی به میزان مناسب، خواه به منظور درمان بسیاری از بیماری‌ها خواه به منظور ایجاد حالتی خاص، چیزی که امروزه به آن «مانیتیسیم» می‌گوییم، تحت عنوان «خوابگردی»^۱ شناخته شد و از ویژگی‌های بارز آن افزایش قابلیت‌های احساسی خوابگرد در مورد اشیا یا اشخاصی بود که دور از دسترس حواس فیزیکی او قرار داشتند.

در حدود سال ۱۸۴۱، پزشکی انگلیسی به نام برید^۲ توانست برخی آزمایش‌هایی را که در جلسه‌ای با حضور لافوتن دیده بود، تکرار کند. اصول و شیوه‌هایی که او به کار برد به گونه‌ای دیگر بود: دکتر برید، در واقع، با ثابت نگه داشتن نگاه اشخاص روی یک نقطه نورانی توانست به القای خوابی نظیر آنچه در «خوابگردی» واقع می‌شود دست یابد. او بعدها این خواب را «هیپنوز»^۳ نامید. این سرآغاز شکل‌گیری مکتبی از آزمایش‌کنندگان، یعنی «هیپنوتیسیم‌کنندگان» بود که مانیتیسیم حیوانی را انکار می‌کردند و این پدیده‌های مانیتیسیمی ایجاد شده از طریق روش خود را ناشی از عمل ثبات نگاه روی نقطه‌ای نورانی می‌دانستند و سایر نظریه‌ها را رد می‌کردند. کشف برید^۴ به زودی در دانشکده‌های پزشکی سراسر جهان «هیپنوتیسیم»^۵ نام گرفت، بالاخص در پاریس، جایی که آسایشگاه روانی آن به نام سالپتریر به خاطر حضور عصب‌شناس معروف، شارکو، به شهرت خاصی رسیده بود. پس از این دو جنبه پدیده‌های فراروانی (مانیتیسیم و هیپنوتیسیم)، به زودی سومین جنبه، توجه پژوهشگران را به خود مشغول کرد. دکتر لیبو^۶ از شهر نانسی، ضمن قبول تئوری‌ای که پیش از این دکتر فاریا^۷ و اِنن دوکویه^۸ به منظور تشریح پدیده‌های مشاهده شده در آزمایش مانیتیسیمی مطرح کرده

1. somnambulisme

2. Braid

3. hypnose

۴. مدت‌ها پیش از او، ساحران هندی این موضوع را کشف کرده بودند.

5. hypnotisme

6. Liébeault

7. Faria

8. Hénin de Cuvilliers

بودند، این پدیده‌ها - و نیز پدیده‌هایی را که در هیپنوتیسم دکتر برید وجود داشت - ناشی از اثر شیوه‌ها، حرکات و اشارات و گفتارهای شخص هیپنوتیسم‌کننده بر تخیل شخص هیپنوتیسم شونده دانست. دکتر لیپو، موفق شد با جملات تصدیقی و فرمان‌های نیرومند و اثرگذار، نگاه‌های ثابت مستمر و حرکات هدفمند و معنی‌دار، ذهن اشخاص را تحت تأثیر قرار دهد و متعاقباً خوابی عصبی نظیر هیپنوز دکتر برید و خوابگردی مکتب پیروان مسمر ایجاد کند. روش دکتر برید، که در یک کلمه تلقین تعریف می‌شود؛ به او امکان داد که تقریباً تمام اشخاصی را که در تجارب درمانی‌اش با آن‌ها روبرو می‌شد، تحت تأثیر قرار دهد و به اشاعه نوع خاصی از درمان که به «القا درمانی» معروف است بپردازد؛ این القا درمانی به نوعی کارهای خارق‌العاده دوران کهن را احیا می‌کرد و مبتنی بر تأثیر فعالیت [سیستم] روانی - عصبی بیمار بر روی اعضای آسیب‌دیده بدنش بود که از طریق تلقین‌های خاصی صورت می‌گرفت.

کمی بعد، حدود سال ۱۸۷۳، به دنبال تحقیق پرفسور ش. ریشه^۱ توجه آزمایش‌کنندگان به چهارمین دسته از امور فراروانی معطوف شد، یعنی تأثیر اراده بر شخصی که در فاصله خاصی از ما قرار دارد. کسی که دکتر ریشه قرار بود او را هیپنوتیسم کند چندین بار از راه دور بدون آن که خودش اطلاعی داشته باشد مورد تلقین قرار می‌گرفت. بررسی و بازانديشي در باره این پدیده، یعنی «تلقین روانی»، را اچورویچ^۲، دکتر گله^۳، دکتر اریکور^۴ و دکتر ژیر^۵ از سر گرفتند.^۶ هرچند دیگر در واقعیت آن شکی نداریم، حتمیت آن امروزه هنوز به طور کامل معلوم نشده است.

1. Ch. Richet

2. Ochorowicz

3. Gley

4. Héricourt

5. Gibert

۶. این سه پزشک آخر مخصوصاً با آزمایشی به نام کالیوسترو (Cagliostro) حرکت تازه‌ای را آغاز کردند. در این آزمایش آزمودنی را از راه دور، آن هم بدون اطلاع او، به خواب می‌بردند و سپس به طور ذهنی به او دستور می‌دادند که به جستجوی تلقین‌کننده‌اش بپردازد.

طی سی سال اخیر، همه امور خارق‌العاده افسانه‌ای که در کلد و مصر به سحر و جادو تعبیر می‌شد، به صورت اموری اکتسابی در زمینه تجارب فراروانی درآمده‌اند. تحقیقات دکتر مکسول^۱، دکتر گله^۲، دکتر اُستی^۳ و دکتر بوآراک^۴ رئیس دانشگاه دیژون، واقعیتی را به اثبات رساند که مدت‌های مدیدی مورد انکار واقع می‌شد، واقعیتی که به هوشیاری در حین خواب‌گردی و نهان‌بینی^۵ اشاره داشت. به عبارت دیگر، امکان دیدن، شنیدن، احساس کردن از راه دور و حتی پیشگویی حوادث آینده را در برخی اشخاص به اثبات می‌رساند. بررسی واسطه‌گری در احضار ارواح - نامی که به برخی توانایی‌های خارق‌العاده داده می‌شود - که به کوشش کروک لومبروسو، دوروشا و سایر متخصصان برجسته علمی صورت گرفت، امکان تأثیر شگرف ذهن بر ماده‌ای را که از تیررس حواس به دور است به شکل ایجاد حرکت در آن ماده به اثبات رسانید. این چنین بود که پاسخ معماهایی از قبیل از زمین بلند شدن میزها، خانه‌هایی که در آن‌ها اشباح رفت و آمد می‌کنند و سایر جلوه‌های انرژی ناشناخته را که در قدیم آن‌ها را مربوط به ارواح مردگان می‌دانستند، در آموزه‌های احضار ارواح یافتند. اشباح^۶، در دو جا بودن^۷، مضاعف شدن^۸ و رؤیت اشباح، امروزه بر حسب این حرکت‌زایی‌ها توجیه می‌شوند - کلنل دوروشا به طور تجربی ثابت کرد که سرشت و مزاج انسان، از ترکیبی مضاعف به صورت مایع سیال اثری تشکیل یافته است. گورنی،

۱. Maxwell: نگاه کنید به اثرش: *Les phénomènes psychiques*.

۲. نگاه کنید به آثارش در باره روان‌شناسی ضمیر ناخودآگاه.

۳. Osty: نگاه کنید به اثرش: *Lucidité et Inuition*.

۴. Boirac: نگاه کنید به:

L'Avenir des sciences psychiques و *La Psychologie inconnue*

5. clairvoyance

۶. فرضیه ارتباط مردگان با ما و نقش فرضی آن‌ها در ایجاد پدیده‌های واسطه‌گری از مقام اثبات بسیار دور می‌نماید. در این باره نگاه کنید به کتاب: *Les forces naturelles inconnues* از فلاماریون.

7. bilocation

8. dédoublement

مایرز، پودمور، عضو انجمن تحقیقات روانی لندن و دورویل از پاریس، هرچند که روش‌های متفاوتی را در این باره دنبال کردند، موفق شدند که به نتایج یکسانی برسند.

این‌سی سال تلاش بی‌وقفه به رهبری متفکران بسیار مشهور، دوره‌گذاری بود که طی آن پدیده‌های فراروانی کاملاً خود را از بستر تجربه‌گرایانه‌شان جدا کردند و هنوز هم در بین این پدیده‌ها هیچ کدامشان در زمرهٔ اموری که دانشمندان واقعیت آن‌ها را پذیرفته‌اند در نیامده‌اند.

۲. تحول فلسفه و مابعدالطبیعه از رهگذر دستاوردهای مسلم علوم فراروان‌شناختی. فایدهٔ این قسمت: گسترش ثمرات شناخت تجربی فراروان‌شناسی به بیش‌ترین میزان ممکن.

مفاهیم جدید مابعدالطبیعی، فلسفی و روان‌شناختی، امروزه به شیوه‌ای تأثیرگذار، به کار شفاف‌کردن و تبیین روش دستاوردهای اولیه و مسلم علوم فراروان‌شناختی آمده‌اند: برای آن‌که متوجه موضوع شویم، کافی است که آخرین آثار برگسون و دکتر گِله را بخوانیم، آثاری ناظر به این‌که فراروان‌شناسی به مدد پدیده‌هایی که قطعیت و موجبیت آن‌ها را بررسی می‌کند، نشان می‌دهد که مسائلی که تا به امروز تقریباً منحصرأ جنبهٔ نظری یا فرضیه‌ای داشته‌اند، دارای پایه‌های عینی و اساس تجربی و محسوس هستند. با نوشتن این کتاب عامه‌فهم، در درجهٔ اول می‌خواهم تا آن‌جا که می‌توانم ثمرات اعتلای فکری‌ای را که فراروان‌شناسی تاکنون در بین نخبگان ممتاز ایجاد کرده است گسترش دهم، نخبگانی که بی‌وقفه، پیشرفت تمام شاخه‌های دانش بشری را دنبال می‌کنند. من در این کتاب روشی تجربی را بیان می‌کنم و به شیوه‌ای عامه‌فهم تشریح می‌کنم که چگونه پدیده‌های متداول مانتیسم و هیپنوز (خواب مصنوعی) به وجود می‌آیند، چون می‌دانم که کم‌ترین نتیجه‌ای که نصیب خوانندگان کتاب می‌شود، البته بعد از آن‌که

واقعیت این پدیده‌ها را خودشان تأیید کردند، پیشرفت در اعتلای قوای ذهنی خویش و توانا ساختن این قواست.

ثانیاً هدف من گسترش کاربرد عملی مانیتیسیم، هیپنوتیسیم، تلقین و آنچه ما از تله‌پاتی^۱ می‌دانیم، به عنوان وسیله‌ای برای اثرگذاری در اشخاص است. به ویژه نشان خواهم داد که چگونه هر کس می‌تواند انرژی‌های پنهان فراروانی - مانیتیسیمی را تا بیش‌ترین حد افزایش بدهد و این انرژی‌ها را به نحو سودمندی در جهت تأثیرگذاری بر اعمال بدن خویش، ارتقای استعدادهای روحی‌اش، رهایی از قید و بند عوامل طبیعی و تأثیرات افسردگی، انقیاد و ناکامی و در یک کلمه برای دست‌یافتن به تغییرات و کمال و خصائل درخور شخصیتش آن‌طور که آرزو می‌کند، به کارگیرد. به کسانی که به تأثیرات مانیتیسیمی، تأثیر از راه تلقین و اراده علاقه‌مندند نشان خواهم داد که چگونه می‌توان مانعی در مقابل اختلالات، بیماری‌ها و ناخوشی‌ها پدید آورد؛ در یک کلام، چگونه در زندگی خصوصیمان و در امور مربوط به وضعیت‌های روحی‌ای که ما را احاطه کرده است رفتار کنیم؛ چگونه عقاید، تصمیمات، احساسات و عواطف خود را اصلاح کنیم.

۳. آموزش عملی قالبی بسیار عامه‌فهم دارد: روش‌های کاملی که در ادامه معرفی می‌شوند، کارآمد و بی‌خطرند. موفقیت تضمین شده و حتمی است.

علوم فراروان‌شناختی که در دوران باستان همواره به گروه اندکی از رازآشنایان اختصاص داشت و در طی قرون وسطی به شکل قواعدی نامفهوم برای مردم پنهان بود تا امروز در روزگار جدید متخصصان اندک و پراکنده‌ای داشته است. احتمالاً از این جا بود که این اعتقاد شایع شد که فقط کسانی که به طور استثنایی از مواهب و استعدادهایی برخوردارند می‌توانند دست به

۱. موضوع تله‌پاتی به طور جداگانه در کتابم با عنوان تأثیر از فاصله بررسی شده است. [ترجمه این کتاب را انتشارات ققنوس منتشر کرده است. - م.]

آزمایش در این عرصه بزنند. مثل هر چیز دیگری، ما با استعداد‌های کمابیش متفاوت در زمینه مانیتیسیم یا تلقین به دنیا می‌آییم، اما آنچه به عنوان شرایط و صلاحیت‌های شخصی عملگر یا آزمایشگر برجسته تعریف می‌کنیم اگر در شخصی عادی نباشد، عیبی در او محسوب نمی‌شود و این شرایط خارج از توانایی او نیست. من، بنا به تجربه خود، یقین دارم کسانی که درس‌های عملی مرا به درستی و به دقت به کار گیرند، چه مرد باشند چه زن، چه جوان باشند چه پیر، موفق خواهند شد. من در تهیه و تنظیم این درس‌ها دقتی و سواس‌گونه به خرج داده‌ام. در این کتاب با روش‌هایی آشنا می‌شوید که از طریق آزمایش‌های مختلف در حوزه‌های گوناگون آن‌ها را آموخته‌ام، روش‌هایی که، همان‌طور که خواهید دید، با دقتی که تا به امروز در هیچ کدام از دروس عامه‌فهم وجود نداشته تنظیم گردیده و اندک شهرتی از رهگذر آن‌ها نصیب من شده است. این روش‌ها که در طی ده سال کار روزمره بر روی افرادی از هر گروه سنی و با هر شرایطی تنظیم شده، برتری خود را به اثبات رسانده است. من در مؤسسه‌ام، با آموزش شفاهی روش‌هایی که در کتاب خواهید خواند و نیز از طریق اجرای آن‌ها بر روی اشخاص، که بعداً به آن‌ها کمک می‌کرد تا این تمرین‌ها را تکرار کنند، بالغ بر چهل هیپنوتیسیم‌کننده تربیت کرده‌ام. می‌توانم بگویم در بین کسانی که چنین آموزشی را دنبال کرده‌اند، حتی یک نفر هم پیدا نشده که نتوانسته باشد به پدیده‌های مانیتیسیمی - هیپنوتیسیمی بر روی اشخاص انتخاب شده از بین دوستان نزدیک یا آشنایانش دست یابد. به علاوه، من تصدیق می‌کنم که، برخلاف اعتقاد بی‌اساسی که وجود دارد، عمل رایج مانیتیسیم و هیپنوتیسیم، نه برای آزمایش‌کننده ضرر دارد، نه برای اشخاص مورد آزمایش. خواننده با پرداختن به آزمایشی که در کتاب دوم توصیف شده است، و با اکتساب عادت‌گونه تمامی حالت‌هایی که برای اکثر افراد قابل دستیابی است - از خفیف‌ترین تأثیرات تلقینی در حالت بیداری گرفته تا هیپنوز کامل و شدید - دو نتیجه عایدش

خواهد شد: به فعل درآوردن قوای فراروانی - مانیتیسمی خود و ایجاد حالت روحی و وضعیتی که برای تأثیر نهادن بر دیگران ضروری است.

۴. پیش از بررسی پدیده‌های عالی فراروانی، ضروری است که در ایجاد پدیده‌های معمولی تخصص و مهارت پیدا کنیم.

صرف نظر از میزان معلوماتان، لازم است که مرحله جسمی - روانی را به مدد تمامی روش‌های عمل و کنترل آن پشت سر بگذاریم تا بتوانیم به ساحل پدیده‌های عالی فراروانی برسیم. می‌توانم شخصیت‌های برجسته علمی‌ای را نام ببرم، که به علت عدم خبرگی در هیپنوتیسم معمولی، عدم شناخت تجربی نمودهای بارز مانیتیسیم، خود تلقینی و عدم مشاهده عکس‌العمل‌های متنوع ضمیر ناخودآگاه در چند صد شخص، با برخی ظواهر گمراه شده‌اند، مثلاً به اشتباه، توهمات را به جای اشباح و امور ذهن‌خوانی، روشن‌بینی،^۱ وقایع خوابگردی یا دو مکانی را به جای احضار ارواح اشخاص مرده تصور کرده‌اند. در خصوص این دسته از مفاهیم و تصورات، اشخاص باهوش و تحصیل‌کرده‌ای را دیده‌ام که قربانی حساسیت فوق‌العاده و رشد ناکافی استعداد فراروانیشان شده‌اند. این افراد خود را این‌طور قانع کرده‌اند که حرکات غیرارادی فراروانی‌ای که آن‌ها در عمل احضار روح به خودشان القا می‌کنند، معلول «روحی» است که جسمشان را تصرف می‌کند. من هر سال موارد زیادی از افکار و سواسی - جبری، توهمات دائمی شنوایی و بینایی و اختلالات دیگری را می‌بینم که مسبب آن افراد بی‌پروایی بوده‌اند که از طریق اعمال روش به تشویش افکندن خویش این مشکلات را پدید آورده‌اند - روشی که پیروان آلن - کاردک^۲ آن را رواج دادند. اگر این افراد، پیش از تماسشان با آثار مربوط به امور روحی یا مبلغان این امور، ابتدایی‌ترین رساله‌های مربوط به تلقین را خوانده بودند، دیگر در اعتقاد خود مبنی بر

1. lucidité

2. Allan - Kardce

ارتباط با مردگان لجاجت به خرج نمی‌دادند - اعتقادی که زائیدهٔ باورهای جزمی بود - و کارشان به این جا نمی‌کشید که خود را به ورطهٔ توهم بیندازند و به این طریق دستگاه حسی خود را دچار اختلال کنند.

در خصوص تحقیق در باب روشن‌بینی در حین خوابگردی، نهان‌بینی، صورت بیرونی دادن به تأثیرپذیری، تله‌پاتی و پدیده‌های همانند آن‌ها، خواهیم دید که برای کسب این امور لازم است آزمودنی‌هایی مناسب انتخاب کنیم که لازمهٔ آن سعی و کوشش بسیار است. تنها آزمایش‌کننده‌ای که در زمینهٔ ایجاد پدیده‌های ابتدایی به مرحلهٔ پختگی رسیده باشد، مستعد آن خواهد بود که شمار زیادی از آزمودنی‌ها را تحت نفوذ خود درآورد. اگر همهٔ محققان امروزی توجهشان را به این نکته جلب کنند، زحماتشان در این زمینه به ثمر می‌رسد، زیرا دیگر انرژی‌شان را برای پیدا کردن آزمودنی‌ها، که با روش‌های خودشان قابل تشخیص نیست، به هدر نمی‌دهند. در واقع سیستم ما، حتی در وضعیت عادی، این امکان را فراهم می‌کند که نخست با تأثیری مختصر و سپس با تأثیری کمی عمیق‌تر، حالت اولیه شخصی را تغییر دهیم و به این ترتیب به درجه‌ای از حساسیت برسیم که قادر به انجام آزمایش‌های بسیار پیچیده شویم.

۵. تمرین تجربی را باید رکن خودپروری و نفوذ شخصی در زندگی خصوصی، مناسبات و روابط با دیگران و کلاً کامیابی‌ها دانست.

کسانی که بالاخص علاقه‌مندند از فراروان‌شناسی در امور شخصی خود سود جویند، می‌توانند این عناصر تأثیرگذار را در خودشان پروراند به شرط آن‌که بعد از کسب آموزه‌های کتاب به سفارش‌های من مبنی بر اجرای هرچه بیشتر آزمایش‌ها و تمرین‌های تلقین، هیپنوتیسم و افسونگری جامه عمل بپوشانند که در این صورت در قیاس با به‌کارگیری هر روش دیگری بسیار زودتر موفق خواهند شد. با آگاهی از اطلاعات ذکر شده در بخش آخر کتاب،

قادر خواهید بود که قواعد این عمل را با شرایط معمولی زندگیتان سازگار کنید.

از حدود بیست سال پیش که اولین دوره‌های همه‌فهم هیپنوتیسم بنیان نهاده شد، مؤسسه‌هایی وجود داشته‌اند که دانسته یا ندانسته نوعی ابهام در اذهان عامه مردم ایجاد کرده‌اند، آن هم با مسلم گرفتن این فرض که ابزارهای موفقیت در علم هیپنوتیسم عبارت است از این که به همه اجازه داده شود که از شیوه‌های آمرانه فشار روحی - که در حالت ناخودآگاه اعمال شود - استفاده کنند. این تصور احمقانه و دور از انصاف را شماری از مؤلفان یا سارقان ادبی دوره‌های مورد بحث رواج دادند.^۱ نتیجه ناگوارتر این تصور، استدلالی بود که به مخالفان عامه‌فهم کردن علوم فراروانی یاری می‌رساند. این نتیجه با درک من از کامیابی از رهگذر هیپنوتیسم در تضاد بود. وقتی که به کارگیری و پروراندن روش‌های عمل فراروانی - مانیتیسمی را با در نظر گرفتن کاربردهای در زندگی خصوصی و در مناسباتمان توصیه می‌کنم، در واقع قصد دارم که دو مطلب را بیان کنم؛ اول آن که این به کارگیری و پروراندن، زمینه‌ساز نوعی جذابیت شخصی اغواکننده و دلپذیر می‌شود که «مانیتیسم شخصی» نام دارد - جذابیتی که با فراهم کردن امکان از پیش سنجیدن روابط به نفع خودمان باعث تسهیل روابطمان با دیگران می‌شود؛ دوم آن که این به کارگیری و پروراندن، تأثیرات ذیل را دربردارد:

الف) در آوردن حساسیت، تأثیرپذیری، قوه تخیل، انگیزه‌ها و غرایز تحت کنترل اندیشه ارادی.

ب) پرورش مراقبه، قوه تشخیص، حافظه و انرژی ارادی.

ج) بنیان نهادن و استوار کردن این اطمینان مفهومی و عملی که اعتماد به نفس را در ما به وجود می‌آورد.

۱. زیرا در زمینه هیپنوتیسم «دوره‌های آموزشی» بی شماری وجود دارد که آموزشگرانشان هرگز نتوانسته‌اند یک آزمودنی را هم به خواب ببرند.

(د) سازماندهی و نظارت بر پویایی ذهنی تا حدی که بیش‌ترین بازده مفید کیفی و کمی از قابلیت‌ها و استعدادها حاصل شود.

۶. طرح کلی کتاب. شیوه مطالعه.

مطالب این کتاب را بر اساس طرحی تقسیم‌بندی کرده‌ام که به نظر برای خوانندگان مناسب‌تر است:

– در کتاب اول، بررسی مفصل چهار عنصر نفوذ و تأثیر شخصی را به شکل تجربی خواهید یافت.

– کتاب دوم شامل دوره‌ای است به منظور دستیابی به پدیده‌های مانتیسمی - هیپنوتیسمی معمول، همان پدیده‌هایی که قادر خواهیم بود آنها را در اکثر اشخاص ایجاد کنیم: تلقین در حالت بیداری، حالت‌های سطحی هیپنوز (خواب مصنوعی)، تلقین هیپنوتیسمی، عمل انقباض و غیره.

– پدیده‌های فراروانی‌ای که جبر و موجیبت در آنها دخیل است و به طور ارادی ایجاد نمی‌شوند، موضوعی است که در کتاب سوم به آن پرداخته‌ایم: روشن‌بینی، نهان‌بینی، صورت بیرونی دادن به تأثیرپذیری و غیره.

– در میان این پدیده‌های اخیر، به نظر لازم آمد که بخشی را به موضوع واسطه‌گری^۱ اختصاص دهم که شما آن را در کتاب چهارم مطالعه خواهید کرد.

– یک دوره به‌کارگیری روش‌های عملی که پیش از این در درمان بیماری‌های جسمی و روان‌رنجوری‌ها استفاده می‌شد در کتاب پنجم آمده است.

کتاب اول

بررسی مختصر چهار عنصر تأثیرگذاری
و نفوذ [شخصی]

- عامل مانیتسمی
- روش‌های حسی
- تلقین
- عمل ارتباط فراروانی از راه دور



آتوان مسمر
«پدر» مائیتیم

پیشگفتار

هر کدام از این چهار عامل تأثیر و نفوذ شخصی که ما قصد داریم آن‌ها را بررسی کنیم، هواداران و منکرانی داشته است. بسیاری از نویسندگان در جستجوی راهی بودند که بتوانند با بررسی تنها یک عامل از این چهار عامل به تشریح این پدیده‌ها پردازند و سه عامل دیگر را به کلی منکر شوند یا دست‌بالا آن‌ها را کاملاً فرعی تلقی کنند. همچنین آثار متخصصان مانیتیسیم اشاره به آن دارد که این عامل (مانیتیسیم)، تنها عامل مؤثر در ایجاد این پدیده‌هاست؛ نوشته‌های شاگردان شارکو^۱ حکایت از آن دارد که آنان هیپنوتیسم حسی را در همه جا [منشأ اثر] تصور می‌کردند؛ تلاش‌های مکتب نانسی و هواداران متعصبش این نکته را به کرات بازگو می‌کند که تلقین، کلید پدیده‌های ظاهراً مانیتیسیمی و حالت‌هایی است که شارکو حاصل کرده است؛ بالاخره روش‌های شرقی، پیروان یوگا، معتقدان به مکاتب جدید علوم خفیه و عرفا و غیره همه این‌ها را به حساب اراده، و به تعبیر دیگر، ارتباط فراروانی می‌گذارند.

من اطمینان حاصل کردم که هر کدام از این چهار مکتب یاد شده بخشی از حقیقت را در خود دارند. در حقیقت در برخورد با اندیشه و ارگانسیم انسانی

به چهار گونه می‌توانیم رفتار کنیم. می‌کوشم در کتاب اول نشان دهم که پدیده‌های «مانیتیسیم»، «هیپنوتیسیم حسی»، «تلقین» و «ارتباط فراروانی» پدیده‌هایی مستقل هستند.

روش‌های تجربی من عبارت از به‌کارگیری مستمر هر چهار عامل تأثیر و نفوذ شخصی به‌طور هم‌زمان است. همچنین به این امر اعتقاد راسخ دارم که باید بیش‌ترین فعالیت ممکن را انجام داد. برای به‌کار بستن این روش، که در کتاب دوم شرح داده شده است، درک پیشاپیش مطالبی که در چهار فصل پیش رو آمده، بسیار مفید است.